



تاریخچه علم اخلاق

بحث فوق را با فشرده‌ای از «تاریخچه علم اخلاق» پایان می‌دهیم:

بی‌شک بحث‌های اخلاقی از زمانی که انسان گام بر روی زمین گذارد آغاز شد، زیرا ما معتقدیم که حضرت آدم علیه السلام پیامبر خدا بود، نه تنها فرزندان را با دستوره‌های اخلاقی آشنا ساخت بلکه خداوند از همان زمانی که او را آفرید و ساکن بهشت ساخت مسائل اخلاقی را با اوامر و نواهی‌اش به او آموخت. سایر پیامبران الهی یکی پس از دیگری به تهذیب نفوس و تکمیل اخلاق که خمیر مایه سعادت انسانها است پرداختند، تا نوبت به حضرت مسیح علیه السلام رسید که بخش عظیمی از دستوراتش را مباحث اخلاقی تشکیل می‌دهد، و همه پیروان و علاقه‌مندان او، وی را به عنوان معلم بزرگ اخلاق می‌شناسند. اما بزرگترین معلم اخلاق پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله بود که با شعار «انما بعثت لا تم-م مکارم الاخلاق» مبعوث شد و خداوند درباره خود او فرموده است: «و انك لعلى خلق عظیم؛ اخلاق تو بسیار عظیم و شایسته است!» (1)

در میان فلاسفه نیز بزرگانی بودند که به عنوان معلم اخلاق از قدیم الایام شمرده می‌شدند، مانند: افلاطون، ارسطو، سقراط و جمعی دیگر از فلاسفه یونان. به هر حال بعد از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله امامان معصوم علیهم السلام به گواهی روایات اخلاقی گسترده‌ای که از آنان نقل شده، بزرگترین معلمان اخلاق بودند؛ و در مکتب آنها مردان برجسته‌ای که هر کدام از آنها را می‌توان یکی از معلمان عصر خود شمرد، پرورش یافتند. زندگانی پیشوایان معصوم علیهم السلام و یاران با فضیلت آنان، گواه روشنی بر موقعیت اخلاقی و فضائل آنها می‌باشد. اما این که «علم اخلاق» از چه زمانی در اسلام پیدا شد و مشاهیر این علم چه کسانی بودند داستان مفصلی دارد که در کتاب گرانهای «تاسیس الشیعه لعلوم الاسلام» نوشته آیت الله صدر، به گوشه‌ای از آن اشاره شده است. نامبرده این موضوع را به سه بخش تقسیم می‌کند:

الف - می‌گوید اولین کسی که علم اخلاق را تاسیس کرد امیر مؤمنان علی علیه السلام بود که در نامه معروفش (به فرزندش امام مجتبی علیه السلام) بعد از بازگشت از صفین، اساس و ریشه مسائل اخلاقی را تبیین فرمود؛ و ملکات فضیلت و صفات رذیلت به عالیترین وجهی در آن مورد تحلیل قرار گرفته است! (2)

این نامه را (علاوه بر مرحوم سید رضی در نهج البلاغه) گروهی دیگر از علمای شیعه نقل کرده‌اند.

بعضی از دانشمندان اهل سنت مانند ابو احمد حسن بن عبدالله عسکری نیز در کتاب الزواجر و المواعظ تمام آن را آورده و می‌افزاید:

«لو كان من الحكمة ما يجب ان يكتب بالذهب لكانت هذه؛ اگر از کلمات پندآموز، چیزی باشد که با آب طلا باید نوشته شود، همین نامه است!»

ب - نخستین کسی که کتابی به عنوان «علم اخلاق» نوشت اسماعیل بن مهران ابی نصر سکونی بود که در قرن دوم می‌زیست، کتابی به نام صفة المؤمن و الفاجر تالیف کرد (که نخستین کتاب شناخته شده اخلاقی در اسلام است).

ج - نامبرده سپس گروهی از بزرگان این علم را اسم می‌برد (هر چند صاحب کتاب و تالیفی نبوده‌اند، از آن جمله:

«سلمان فارسی» است که از علی علیه السلام درباره‌اش نقل شده که فرمود: «سلمان الفارسی مثل لقمان الحکیم - علم علم الاول و الاخر، بحر لاینف، و هو منا اهل البیت؛ سلمان فارسی همانند لقمان حکیم است - دانش اولین و آخرین را داشت و او دریای بی پایانی بود و او از ما اهل بیت است.» (3)

2 - «ابوذر غفاری» است (که عمری را در ترویج اخلاق اسلامی گذراند و خود نمونه اتم آن بود. درگیری‌های او با خلیفه سوم «عثمان» و همچنین «معاویه» در مسائل اخلاقی معروف است؛ و سرانجام جان خویش را نیز بر سر این کار نهاد.

3 - «عمار یاسر» است که سخن امیرمؤمنان علی علیه السلام درباره او و یارانش مقام اخلاقی آنها را روشن می‌سازد، فرمود: «این اخوانی الذین رکبوا الطريق ومضوا علی الحق، این عمار... ثم ضرب یده علی لचितه الشریفة الکریمة فاطال البکاء، ثم قال: اوه علی اخوانی الذین تلوا القران فاحکمه، وتدبروا الفرض فاقاموه، احيوا السنة واماتوا البدعة؛ کجا هستند برادران من! همانها که سواره به راه می‌افتادند و در راه حق گام بر می‌داشتند، کجاست عمار یاسر!... سپس دست به محاسن شریف خود زد و مدت طولانی گریست، پس از آن فرمود: آه بر برادرانم همانها که قران را تلاوت می‌کردند و به کار می‌بستند، در فرائض دقت می‌کردند و آن را به پا می‌داشتند،

سنتها را زنده کرده، و بدعتها را میراندند!» (4)

4- «نوف بکالی» که بعد از سنه 90 هجری چشم از جهان پوشید، و دارای مقام والایی در زهد و عبادت و علم اخلاق است.

5- «محمد بن ابی‌بکر» که راه و روش خود را از امیرمؤمنان علی علیه السلام می‌گرفت و در زهد و عبادت گام در جای گامهای او می‌نهاد، و در روایات به عنوان یکی از شیعیان خاص علی علیه السلام شمرده شده و در اخلاق، نمونه بود.

6- «جارود بن منذر» که از یاران امام چهارم و پنجم و ششم بود و از بزرگان علما است و در علم و عمل و جامعیت مقام والائی دارد.

7- «حذیفه بن منصور» که از یاران امام باقر و امام صادق و امام کاظم؛ بود و درباره او گفته شده: «او علم را از این بزرگواران اخذ کرده و نبوغ خود را در مکارم اخلاق و تهذیب نفس نشان داد.»

8- «عثمان بن سعید عمری» که از وکلای چهارگانه معروف ولی عصر حضرت مهدی ارواحنا فداه می‌باشد، و از نواده‌های عمار یاسر بود، بعضی درباره او گفته‌اند: «لیس له نان فی المعارف والایلاق والفقہ والاحکام؛ او در معارف و اخلاق و فقه و احکام، دومی نداشت!» و بسیاری دیگر از بزرگانی که ذکر نام همه آنها به درازا می‌کشد.

ضمناً در طول تاریخ اسلام کتابهای فراوانی در علم اخلاق نوشته شده است که از آن میان، کتب زیر را می‌توان نام برد:

1- در قرن سوم کتاب «المانعات من دخول الجنة» را نوشته جعفر بن احمد قمی که یکی از علمای بزرگ عصر خود بود می‌توان نام برد.

2- در قرن چهارم کتاب «الآداب» و کتاب «مکارم الاخلاق» را داریم که نوشته «علی بن احمد کوفی» است.

3- کتاب «طهارة النفس» یا تهذیب الاخلاق و تطهیر الاعراق نوشته ابن مسکویه متوفای قرن پنجم از کتب معروف این فن است؛ او کتاب دیگری در علم اخلاق به نام «آداب العرب و الفرس» نیز دارد که شهرتش در حد کتاب بالا نیست.

4- کتاب «تنبيه الخاطر و نزهة الناظر» که به عنوان مجموعه ورام مشهور است یکی دیگر از کتب معروف اخلاقی است که نوشته «ورام بن ابی فوارس» یکی از علمای قرن ششم است.

5- در قرن هفتم به آثار معروف خواجه نصیر طوسی، کتاب اخلاق ناصری و اوصاف الاشراف و آداب المتعلمین برخورد می‌کنیم که هر کدام نمونه بارزی از کتب تصنیف شده در این علم در آن قرن است.

6- در قرون دیگر نیز کتابهایی مانند ارشاد دیلمی، مصابیح القلوب سبزواری، مکارم الاخلاق حسن بن امین الدین، و الآداب الدینیة امین الدین طبرسی، و محجة البیضاء فیض کاشانی که اثر بسیار بزرگی در این علم است، و جامع السعادات و معراج السعاده و کتاب اخلاق شیر و کتابهای فراوان دیگر. (5)

مرحوم علامه تهرانی نام دهها کتاب را که در زمینه علم اخلاق نگاشته شده است در اثر معروف خود «الذریعة» بیان نموده است. (6)

این نکته نیز حائز اهمیت است که بسیاری از کتب اخلاقی به عنوان کتب سیر و سلوک، و بعضی تحت عنوان کتب عرفانی انتشار یافته است، و نیز بعضی از کتابها فصل یا فصول مهمی را به علم اخلاق تخصیص داده بی آن که منحصر به آن باشد که نمونه روشن آن کتاب بحار الانوار و اصول کافی است که بخشهای زیادی از آن در زمینه مسائل اخلاقی می‌باشد و از بهترین سرمایه‌ها برای این علم محسوب می‌شود.

پی‌نوشتها

1- سوره قلم، آیه 4.

2- رساله حقوق امام سجاد(ع) و دعای مکارم الاخلاق و بسیاری از دعاها و مناجاتهای دیگر نیز در طلّیعه آثار معروف اخلاقی در اسلام قرار دارند که هیچ اثری با آنها برابری نمی‌کند.

3- بحار، ج 22، ص 391.

4- نهج البلاغه، خطبه 182.

5- تلخیص و اقتباس با تغییرات و اضافاتی از کتاب «تاسیس الشیعة لعلوم الاسلام»، فصل آخر.

6- الذریعة، جلد اول.

اخلاق در قرآن جلد اول صفحه 38 آیت الله مکارم شیرازی